**جلسه 9**

**یک‌‌شنبه - ۲8/۰۶/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به وجوب نماز جمعه بود.

روایت سوم که به آن استدلال شده بود صحیحه منصور بن حازم بود که فرمود: الجمعة واجبة علی کل احد لایعذر الناس فیها الا خمسة المرأة و المملوک و المسافر و المریض و الصبی.

مرحوم آقای خوئی فرمود: ما قرینه داریم که ظاهر این روایت حضور در نماز جمعه است نه اقامه آن. حضور در نماز جمعه که منعقد شده طبق شرائط واجب است بر بقیه مگر این پنج نفر. اما اگر اقامه نشود مشکلی نیست؛ اقامه واجب تخییری است اما اگر اقامه بشود با شرائط الجمعة واجبة علی کل احد؛ حضور در نماز جمعه بر همه واجب می‌شود مگر بر این پنج گروه. شاهد آقای خوئی بر این‌که این صحیحه وجوب حضور را بیان می‌کند نه وجوب اقامه را استثناء مسافر است و همین‌طور استثناء من کان علی رأس فرسخین و همین‌طور استثناء در حال نزول مطر. فرموده این استثناءها با توجه به این‌که این افراد که استثناء شدند، مثل مسافر، مثل من کان علی رأس فرسخین، مثل حال نزول مطر نماز جمعه از این‌ها مشروع است. نماز جمعه از این‌ها مشروع بود فقط حضور در نماز جمعه بر این‌ها واجب نیست. و لذا این دلیل می‌شود که بگوییم این صحیحه مربوط به بحث وجوب حضور است.

اشکال ما به مرحوم آقای خوئی این است که آقا! در این صحیحه فقط مسافر ذکر شد و مرأة و مملوک و مریض و صبی. من کان علی رأس فرسخین ذکر نشد. نزول مطر ذکر نشد. اگر من کان علی رأس فرسخین ذکر می‌شد بله قرینه خوبی بود. می‌گفتیم من کان علی رأس فرسخین حضور در نماز جمعه بر او واجب نیست، اگر اقامه نماز جمعه واجب تعیینی بود خب آن هم که کان علی رأس فرسخین آن هم موظف بود در همان محل خودش نماز جمعه را اقامه کند دیگه. اگر من کان علی رأس فرسخین استثناء می‌خورد در این صحیحه ما حق می‌دادیم به آقای خوئی؛ می‌گفتیم من کان علی رأس فرسخین نماز جمعه بر او واجب نیست یعنی حضور در نماز جمعه بر او واجب نیست. و الا اقامه اگر می‌تواند نماز جمعه را در محل خودش با شرائط چرا اقامه نکند؟‌ در این روایت که ندارد من کان علی رأس فرسخین. مسافر را دارد، مرأة را دارد و امثال این‌ها. بر مسافر نه نماز جمعه واجب است اقامه کند و نه واجب است در نماز جمعه اقامه شده حاضر بشود؛ هیچکدام. واجب تعیینی نیست بر مسافر. منافات ندارد که واجب تخییری باشد. الجمعة واجبة علی کل احد ظهور دارد در وجوب تعیینی. مگر بر مسافر و زن و مانند این‌ها که بر این‌ها نماز جمعه واجب تعیینی نیست نه اقامه‌اش و نه حضور در آن بعد از اقامه. این اشکال دارد؟ این چه قرینه‌ای می‌شود بر این‌که ما بگوییم این روایت فقط مربوط به وجوب حضور است بعد از اقامه نماز جمعه؟ ظاهر الجمعة واجبة اداء نماز جمعه است حتی در جایی که اقامه نمی‌شود می‌گوید الجمعة واجبة علی کل احد چرا نمی‌روید اقامه کنید؟ نه این‌که الحضور فی الجمعة واجبة علی کل احد، چرا در نماز جمعه‌ای که منعقد شده شرکت نمی‌کنید؟ نخیر اطلاق دارد. نماز جمعه واجب است بر هر شخصی و لو در زمانی که اقامه نمی‌شود واجب است نماز جمعه بر مردم اگر می‌توانند اقامه کنند.

[سؤال: ... جواب:] من کان علی رأس فرسخین اگر بود شما می‌گفتید خب چرا این آقا را استثناء می‌کنید از نماز جمعه؟ خودش چرا اینجا نماز جمعه اقامه نمی‌کند؟ پس معلوم می‌شود اقامه واجب نیست؛ حضور واجب است. من کان علی رأس فرسخین از حضور استثناء شده است از وجوب حضور. آن وقت این روایت اگر من کان رأس فرسخین بود می‌شد مبتلی به ما یصلح ما للقرینیة اگر من کان علی رأس فرسخین استثناء می‌شد. می‌گفت الجمعة واجبة علی کل احد الا من کان علی رأس فرسخین این ما یصلح للقرینیة بود بگوییم مراد حضور در نماز جمعه است که واجب است بر هر شخصی. اما این روایت این را ندارد که. ... مریض هم لازم نیست اقامه کند. ... نه فقط از وجوب حضور از وجوب اقامه هم استثناء شده. مریض نه اقامه لازم بکند نماز جمعه را نه حاضر بشود در نماز جمعه اقامه شده. ولی غیر این مریض و مسافر و مانند این‌ها واجب است نماز جمعه بر آن‌ها؛ اطلاق دارد. نماز جمعه واجب است بر آن‌ها مطلقا. و این وجوب مشروط به انعقاد نماز جمعه نیست. وجوب مطلق است. واجب مطلق هم یقتضی اتیان مقدمه آن را. واجب مطلق است اداء نماز جمعه. مقدمه این واجب مطلق این است که هفت نفر جمع بشوند، یک امام جمعه عادلی را انتخاب کنند از خودشان، نماز جمعه بخوانند. الجمعة واجبة علی کل احد.

بله، اگر ما احتمال بدهیم شرط صحت نماز جمعه حضور امام معصوم یا نائب خاص او است، بله، ما اشکال را قبول می‌کنیم. چون الجمعة واجبة علی کل احد در مقام بیان شرائط نماز جمعه نیست. یعنی الجمعة واجبة علی کل احد یقدر علی اتیان صلاة الجمعة. و شاید ما قادر بر اتیان صلات جمعه نباشیم. چون شرط صلات جمعه فی علم الله حضور امام معصوم است. اگر احتمال فقهی بدهیم کما این‌که مدعای برخی از بزرگان از جمله مرحوم آقای بروجردی است که شرط صحت نماز جمعه حضور معصوم یا نائب خاص ایشان است به این روایت نمی‌توانیم تمسک کنیم. چون می‌گوید یجب الجمعة علی کل احد. جمعه چیه؟ جمعه شرائطش چیه؟ شاید یکی از شرائطش این باشد که حضور امام معصوم در آن باشد. در مقام بیان شرائط صحت نماز جمعه که نیست این روایت.

[سؤال: ... جواب:] در مقام بیان نیست تا اطلاق داشته باشد؛ اطلاق لفظی یا مقامی.

[سؤال: ... جواب:] حالا اتفاقا آقای بروجردی ادله‌ای می‌آورد بر این‌که حضور معصوم در نماز جمعه یا نائب خاص آن حضرت در نماز جمعه شرط است و باید امام جمعه یا خود معصوم باشد یا نائب خاص ایشان. این را از ادله استفاده کرده. یا اگر شک هم بکنیم نظر آقای بروجردی درست است یا نه نمی‌توانیم دیگه به اطلاق این صحیحه تمسک کنیم. اما مثل آقای خوئی که معتقد است با اطلاق ادله نفی می‌کنیم شرطیت اذن امام معصوم را در صحت نماز جمعه خب این روایت دلالتش تمام می‌شود دیگه. چون شرط صحت نماز جمعه الان هم فراهم است. و این روایت می‌گوید الجمعة واجبة علی کل احد. این‌که حضور را در تقدیر بگیریم خلاف ظاهر است. ظاهرش این است که ایجاد و اتیان در تقدیر است. مثل این‌که می‌گویند الکذب حرام یکی بگوید استماع الکذب حرام. خب این عرفی نیست. ظاهر الکذب حرام یعنی ایجاد الکذب حرام. اینجا ظاهر الجمعة واجبة این است که ایجاد الجمعة واجبة. و اطلاق وجوب اقتضاء می‌کند تحصیل مقدماتش را. و تحصیل مقدمات به این است که اگر بتوانیم هفت نفر بشویم امام جمعه از خودمان قرار بدهیم نماز جمعه بخوانیم.

پس یا شرط صحت نماز جمعه حضور امام معصوم است جزما یا احتمالا، وجوب حضور را هم از این رویت استفاده نمی‌شود کرد در زمان غیبت. شاید این نماز جمعه‌ها صحیح نباشد. چون نصب امام معصوم که نیست. خود امام معصوم هم که نیست. و اگر شرط صحت نباشد برای وجوب اقامه هم می‌شود به این صحیحه تمسک کرد.

[سؤال: ... جواب:] اصلا تقدیر گرفتن ایجاد عرفی نیست. اصلا خود فعل ظهور دارد در ایجاد. اگر گفتند مثلا شرب الماء حرام یعنی ایجاد شرب الماء حرام. اصلا به تعبیر امام قدس سره می‌فرمایند اسماء اجناس ظهور دارد در موجود. اگر بگویید مثلا فرض کنید النار حارة، این نیاز نیست بگویید النار الموجود حارة. اصلا نار معدومه حار نیست به نظر عرف. لازم نیست بگویید آتش موجود می‌سوزاند. اصلا آتش یعنی همان عرفا. لازم نیست ایجاد را در تقدیر بگیرید یا وجود را در تقدیر بگیرید. این نیاز به تقدیر ندارد. حذف متعلق نیست. و لذا در لا الا الله گفتند لا اله الا الله آنی که ظاهر است یعنی لا اله بموجود الا الله نه این‌که موجود در تقدیر است. اصلا نیازی به تقدیر ندارد عرفا. اصلا لا اله یعنی لا وجود للاله الا الله. نه لا اله یستحق العبادة الا الله.

[سؤال: ... جواب:] اگر بگویند الجمعة واجبة معنایش این است که نماز جمعه واجب است بر همه. شما چه می‌فهمید از این عبارت؟ اگر بیایند به شما بگویند نماز جمعه بر همه مکلفین واجب است بعد شما نماز جمعه نخوانید. خب می‌گوید نماز جمعه بر همه واجب است چرا نماز جمعه نمی‌خوانی؟ اگر بگویی نمی‌توانم چون اذن امام معصوم ندارم آن بحث دیگری است. اگر اذن امام معصوم شرط نبود جزما طبق ظاهر ادله که نظر آقای خوئی هست نمی‌توانی بگویی نمی‌توانم. تو می‌توانی نماز جمعه بخوانی. خب این روایت هم می‌گوید نماز جمعه بر همه واجب است. ... نه، ایجاد. نه متعلق هست. متعلق وجوب که در آن فرض وجود نمی‌شود. ایجاد. می‌گوید ایجاد نماز جمعه واجب است. ایجاد را لازم نیست در تقدیر بگیرید. نیاز به تقدیر ندارد. معنای این‌که نماز جمعه واجب است همین است.

و لذا دلالت این روایت سوم هم بر وجوب تعیینی اقامه نماز جمعه به نظر ما تمام است.

روایت چهارم...

[سؤال: ... جواب:] نماز جمعه بر همه واجب است. اگر اقامه نشود باز واجب است مقدمه‌اش اقامه آن است. اگر اقامه بشود بر شما هم که شرکت نمی‌کنید نماز جمعه واجب است. مقدمه نماز جمعه خواندن شما این است که در آن نماز جمعه‌ای که منعقد شده شرکت کنید. ... ایجاد انحلالی است. ایجاد نماز جمعه بر همه واجب است. نماز جمعه که یک ماهیت صرف الوجودی ندارد. شما نماز جمعه می‌خوانید. دیگران نماز جمعه می‌خوانند. فقط امام جمعه که نماز جمعه نمی‌خوانند. همه مردم که در نماز جمعه شرکت می‌کنند دارند نماز جمعه می‌خوانند. نماز جمعه بر همه مردم واجب است. آن‌هایی هم که نماز جمعه شرکت نمی‌کنند در خانه های‌شان نشستند، رفتند مهمانی، آن‌ها هم الجمعة واجبة علی کل احد. بگویند آقا! در خانه‌مان نماز جمعه می‌خوانیم می‌گویند کمتر از یک فرسخ با نماز جمعه فاصله است. پس باید بروید در نماز جمعه‌ای که منعقد شده با شرائط شرکت کنید تا شما هم اتیان کرده باشید به نماز جمعه. نه حضور تنها است نه اقامه. اداء نماز جمعه بر هر مکلفی واجب است. اگر اقامه نشود پس اقامه نشده است، اداء نماز جمعه مقدمه‌اش اقامه آن است. اگر اقامه شده است اداء نماز جمعه توسط دیگران به حضور آن‌ها است در این نماز جمعه.

روایت چهارم: صحیحه ابی بصیر و محمد بن مسلم: من ترک الجمعة ثلاثا متوالیات بغیر علة طبع الله علی قلبه.

مرحوم آقای خوئی فرموده است این روایت هم به نظر ما دلالت نمی‌کند بر وجوب اقامه. چون متعلقش شاید حضور باشد. من ترک الحضور فی صلاة الجمعة. بله، حضور در نماز جمعه از این روایت استفاده می‌شود واجب است. چون می‌گوید اگر سه هفته پشت سر هم نروید منافق می‌شوید. طبع الله علی قلبه یعنی منافق می‌شود. چون فطبع علی قلوبهم. منافقین هستند که طبع علی قلوبهم.

خب حالا این‌طور نیست که بگوییم پس سه هفته یک بار واجب است برویم. نه این خلاف تسالم فقهی است. یا واجب است بروی در هر هفته یا اگر واجب نباشد در سه هفته هم واجب نیست. فقط فرقش این است: اگر سه هفته نروی می‌شوی منافق. یک هفته نروی ترک کردی واجب را. اما هنوز به حد منافق شدن نرسیده.

به نظر ما الکلام الکلام. ظاهر من ترک الجمعة یعنی من ترک صلاة الجمعة یعنی لم یأت بصلاة الجمعة. لم یأت بصلاة الجمعة اطلاق دارد و لو در شهری که اقامه نمی‌شود ولی می‌شود اقامه بکنند، این‌ها دارند ترک می‌کنند صلات جمعه را. اگر کسی گفت من ترک شرب لبن، لبن به معنای آبدوغ هست، کسی که در هنگام ظهر آبدوغ نخورد این سه روز پشت سر هم منافق هست، حالا آبدوغ نیست، آب داری ماست هم داری، می‌گویی چون آبدوغ نیست شامل من نمی‌شود. می‌گوید کسی که ترک کند شرب آبدوغ را و لو به این‌که آبدوغ درست نمی‌کند می‌گوید حیف است این ماست را ما آبدوغش بکنیم. نگفته هرگاه آبدوغ موجود بود و نخوردید، نه، می‌گوید هر کسی آبدوغ نخورد شما شمایی می‌شود که آبدوغ نیست ولی می‌توانی آبدوغ درست کنی. اینجا هم می‌گوید کسی که ترک کند نماز جمعه را و لو نماز جمعه برگزار نمی‌شود در این شهر، صدق می‌کند این مردم ترک کردند نماز جمعه را. چون می‌توانند اقامه کنند.

[سؤال: ... جواب:] بله. اگر کسی که ترک کند جماعت را در نماز فریضه، یک امام جماعتی است می‌گوید نمی‌خوانم مردم! بروید فرادی بخوانید. من نمی‌خوانم من شبهه دارم در... نه دیگه. آنی که می‌تواند. امام جماعت می‌تواند نماز جماعت بخواند. خب گفتند هر کس جماعت را در نماز فریضه ترک کند حکمش این است، می‌گویند آقای امام جماعت شما نرفتی مسجد مردم فرادی خواندند نماز جماعت را ترک کردی. ... خب فرض این است. فرض این است واجب است کسی که عادل هست و قدرت بر خطبه خواندن دارد واجب است. وقتی به شش نفر می‌گویند بیا نماز جمعه بخوان واجب است نماز جمعه بخواند. پس اقامه واجب شد. شش نفر آمدند به شما می‌گویند آقا! ما شما را عادل می‌دانیم. خودت که خودت را عادل می‌دانی. قدرت بر خطبه خواندن داری. و لو همان خطبه خواندن با همان بیان خیلی عادی. بگویی تقوی داشته باشید یک سوره حمد هم داشته باشید. بعدش هم یک سلام و صلواتی هم به ائمه مسلمین بدهی تمام شد. این هم که خطبه دوم می‌گویند بحث‌های سیاسی بکنید این هم واجب که نیست. در روایت علل هست که امام خطبه می‌خواند حکمت خطبه خواندن امام این است که و یخبرهم بما ورد علیهم من الآفاق. اخبار مجتمع مسلمین را یا اخبار جهانی را به مردم بیان کند. این حالا حکمت است که امام مسلمین نماز جمعه می‌خواند خطبه هایش پربار باشد از جهت سیاسی. ما که امام المسلمین نیستیم. شش نفر آمدند به شما می‌گویند نماز جمعه بخوان. اگر نماز جمعه نخوانی با این‌که عادلی و قدرت بر خطبه‌ها و لو به آن اقل مراتب واجب داری خب صدق می‌کند ترک الجمعة ثلاثا متوالیات بغیر علة طبع الله علی قلبه.

[سؤال: ... جواب:] می‌دانم. اگر شش نفر بیایند به این آقای عادلی که قدرت بر خطبه خواندن دارد بگویند نماز جمعه برگزار کنیم در این روستامان ما چی کم داریم از روستای بالاچی، از آن روستای علیا ما چی کم داریم، شما قبول نکنی مصداق این روایت می‌شوی. پس واجب است اقامه دیگه. یا این عادل بیاید بگوید مردم! بیایید شش نفر بشوید نماز جمعه بخوانیم آن‌ها می‌گویند نه، حال نداریم، خب من ترک الجمعة ثلاثا متوالیات بغیر علة طبع الله علی قلبه شاملش می‌شود.

بله، ممکن است ما راجع به این روایت چهارم بگوییم بغیر علة، بدون سبب، شاید نفس غیبت امام معصوم علت باشد. می‌گوید من نمی‌روم نماز جمعه. چون زمانی که امام معصوم بود امیرالمؤمنین نماز جمعه می‌خواند خب می‌گفتید من ترک الجمعة ثلاثا متوالیات بغیر علة طبع الله علی قلبه اما چون امام معصوم امام جمعه نیست این شد سببی برای ترک حضور در نماز جمعه. یا مرحوم آقای بروجردی بفرمایند خود شبهه مشروعیت داشتن نماز جمعه در عصر غیبت و این‌که شرط صحت نماز جمعه اذن امام معصوم است این مصداق این می‌شود که من ترک نماز جمعه‌ام می‌شود ترک الجمعة لعة نه بغیر علة. می‌شود تمسک به عام در شبهه مصداقیه بغیر علة. شاید ترک ما نسبت به نماز جمعه ترک لعلة باشد نه ترک لغیر علة. تمسک به عام در شبهه مصداقیه آن جایز نیست.

این اشکال در این روایت هست.

اما اشکال آقای خوئی که این روایت مربوط به وجوب حضور بعد الاقامة هست به نظر ما وارد نیست.

[سؤال: ... جواب:] بغیر علة یعنی بغیر سبب. ... خودش موجه است. ... بدون سبب. ... شاید عدم انعقاد نماز جمعه به اذن امام معصوم سبب صحیح باشد. می‌شود تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود عام که قطعا جایز نیست. ... حداقل اگر مشروعیت نماز جمعه بدون اذن امام معصوم را شک کنیم مثل آقای بروجردی که روشن است به این روایت نمی‌شود تمسک بکند. ما حالا چی؟ بالاتر می‌گفتیم شما به آن اشکال دارید. می‌گوییم حتی اگر احراز مشروعیت هم بکنید، آقا! می‌گویم من وقتی امام معصوم نیست حاضر نمی‌شوم. این هم یک سببی است عرفی. سبب عرفی است. در حج هم مگه گفتند من ترک الحج بغیر علة. ... اتفاقا همانجا روایت دارد، یک روایتی هست که من ترک الحج من غیر عذر یعذره الله فیه فقد ترک شریعة من شرائع الاسلام. بعضی از بزرگان فرمودند، فرمودند تمسک به این حدیث در موارد شک در عذر تمسک به عام در شبهه مصداقیه است. آنجا هم فرمودند. اتفاقا شما خوب اشاره کردید. یادمان آوردید. همانجا هم برخی، روایت هست راجع به این روایت ها! نه روایت دیگه، کار نداریم. ما هم راجع به این روایت داریم حرف می‌زنیم. روایت دیگر را که بررسی می‌کنیم.

روایت پنجم صحیحه زراره عن ابی جعفر علیه السلام...

[سؤال: ... جواب:] حالا طبع الله علی قلبه انصاف این است: ظهورش در عرف متشرعی این است که این کار حرام است بلکه حرام شدیدی است. و الا انسان گناهکار که طبع الله علی قلبه ندارد. منافقین را گفتند طبع علی قلوبهم. طبع علی قلوبهم یعنی هیچ هدایتی در این‌ها تاثیر ندارد. آدم به جایی برسد که هیچ هدایت در او مؤثر نیست، کاری بکند که هدایت در او تاثیر نگذارد این حرام نیست؟ انصافا در ارتکاز متشرعی این حرام است. ... اگر روایت بگوید طبع الله علی قلبه، ختم الله علی قلبه ظاهرش حرمت است دیگه. شما روایت همین‌طوری یادتان است یا جعل... قلبش سیاه می‌شود. قلب سیاه بشود مهم نیست. نه. قلب سیاه می‌گوید یعنی رقّت قلب دیگه ندارد. رقّت قلب ندارد. اما طبع الله علی قلبه یعنی لایهتدی بهدایة الله. معنای طبع الله علی قلبه این است دیگه. مهر می‌زند خدا روی دلش. یعنی دلش بسته می‌شود. ختم الله علی قلوبهم. یعنی هر چی به او می‌گویی آدم خوبی باشد قبول نمی‌کند. خب این چرا قبول نمی‌کند بخاطر این‌که نماز جمعه را سه هفته ترک کرد. خب این ظهورش در حرمت است. حالا روایت بعدی که از این بهتر است.

صحیحه زراره می‌گوید عن ابی جعفر علیه السلام صلاة الجمعة فریضة و الاجتماع الیها فریضة مع الامام فان ترک رجل من غیر علة ثلاث جمع فقد ترک ثلاث فرائض و لایدع ثلاث فرائض من غیر علة الا منافق.

تقریب استدلال به این صحیحه مثل تقریب استدلال به صحیحه سابقه است. صلاة الجمعة فریضة ظاهرش این است که اداء آن فریضه است. و الاجتماع الیها فریضة مع الامام. اگر امام طبق نظر مرحوم آقای بروجردی مشی کنیم بگوییم ظاهر است در امام اصلی، که نظر آقای بروجردی بود، آقای خوئی هم در غیر این روایت در مطلق روایاتی که لفظ امام هست مثل شهادت عدلین عند الامام بالهلال که امر الامام بالافطار امام به قول مطلق ظهور دارد در امام معصوم. آن امامی که امام مطلق است، امام الکل است، یعنی حتی امام فقهاء است، حتی امام ولی امر است او امام معصوم است. امام به قول مطلق.

[سؤال: ... جواب:] اگر یک جایی گفتند امام، قرینه بود، می‌گوییم امام شامل امام غیر معصوم هم می‌شود. ... نظر آقای بروجردی را دارم می‌گویم. نظر آقای خوئی را دارم می‌گویم در غیر این روایت. آقای بروجردی راجع به این روایت هم فرمود که ظهور داره، انصراف داره به امام اصلی. ما بحث کردیم استعمالات لفظ امام را. به نظرمان می‌آید ظهور امام در حاکم عادل است نه در خصوص امام معصوم. ... نه. امام به قول مطلق انصراف دارد به امام عادل. می‌گوید ان انفق علی زوجته و الا فعلی الامام ان یفرق بینهما. ... امام یعنی حاکم عادل. ... یعنی حاکم جائر؟ ... حالا. این‌که قطعا و الاجتماع الیها فریضة مع الامام شامل امام جائر که نمی‌شود که. یعنی در تحت ظل حکومت معاویة بن ابی سفیان. پس این امام عادل است. اما امام معصوم نه، اطلاقش اقتضاء می‌کند هر امام عادلی. حالا آقای خوئی که می‌گویند امام جماعت. اصلا لازم نیست امام به معنای حاکم باشد. خب می‌گوید صلاة الجمعة فریضة و الاجتماع الیها فریضة مع الامام این ظاهرش این است که اداء نماز جمعه و لو به اقامه آن. اقامه نمی‌شود، اقامه کنید. صلاة الجمعة فریضة. اینجا دیگه روشن است. می‌گوید سه تا فریضه است. هر جمعه یک فریضه. سه تا جمعه سه تا فریضه است. ترک کنی سه تا فریضه را می‌شوی منافق. البته من غیر علة. من غیر علة. آن وقت این شبهه پیش می‌آید که شاید حضور امام معصوم علت باشد که اگر ما در عصر غیبت شک در مشروعیت بکنیم می‌شود ترک نماز جمعه من علة. این اشکال آقای بروجردی وارد است.

ان‌شاءالله بقیه روایات را فردا بررسی می‌کنیم.